

تحلیل مفهومی روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر

سید آقا حسن حسینی^۱

چکیده

نظام تعلیم و تربیت اسلامی شامل مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل و موانع، ساخت‌ها و... است. روش تربیت که عبارت از چگونگی مجموعه رفتارهای تربیتی انسان و در مقایسه با اصول تعلیم و تربیت، بایدها جزئی‌تر و رفتاری است، از اجزای مهم نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه مهم دینی است که قرآن و سنت و ادله عقلی و عقلایی بر ضرورت اجرای آن در جامعه تأکید نموده است. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را از روش‌های تعلیم و تربیت در اسلام دانست؟ در این تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از روش‌های مهم تربیتی در تعلیم و تربیت اسلامی مطرح شده، چیستی و قلمرو مفهومی «روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر» از جهات مختلف تاریخی، اخلاقی، فقهی، اجتماعی و تربیتی مورد بحث قرار گرفته و از حیث مفهومی، مراتب امر و نهی تحلیل شده است. سعی شده قلمرو مفهومی آن در تقسیمات ایجاد و اصلاحی، مصرح و غیر مصرح و نیز امر و نهی از حیث آمر و ناهی، مخاطب و محتوا به اختصار بحث شود. ورود «فقه تعلیم و تربیت» به مباحث مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر از مباحث مهمی است که در سال‌های مورد توجه قرار گرفته و می‌تواند برای نظام تعلیم و تربیت در کشورهای اسلامی بسیار مؤثر و راهگشا باشد.

کلیدواژه: تعلیم و تربیت، روش تربیتی، امر به معروف، نهی از منکر، تحلیل مفهومی، فقه تربیتی

۱. دکتری تعلیم و تربیت اسلامی (فقه تربیتی) و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر به مثابه یکی از روش‌های تربیتی موضوعی است که پیشینه تاریخی زیاد ندارد؛ در منابع فقهی، حدیثی، تفسیری و حتی کلامی از آثار آن به وفور یاد شده است. چند صد عنوان کتاب و پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری هم در این باب نوشته شده است اما هیچکدام از منظر تعلیم و تربیت مورد واکاوی قرار نداده است. در سال‌های اخیر امر و نهی به عنوان روش تربیتی در تعلیم و تربیت اسلامی و فقه تربیتی و تا حدودی در تربیت اجتماعی از منظر آیات و روایات مورد توجه قرار گرفته است. نکته مهم دیگر که در گذشته کمتر مورد توجه عالمان قرار گرفته، شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر است، این بحث جزئی و کاربردی است که لازم است از منظر فقه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

مهم‌ترین دلیل نقلی بر اینکه اجرای امر و نهی نیازمند شیوه‌های عملی است، آیات قرآن کریم است که در مقام بیان احکام و امر به معروف در قالب روش‌های خاص و مفید از روش‌های مختلف بهره برده است. بر اساس آیه شریفه «وَأَتُوا التَّيْبَتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره، ۱۸۹) هر چیزی راه و روش خاص دارد. از همین رو است که از امام باقر^(ع) در تفسیر آیه شریفه نقل شده است: «أَنَّ يَأْتِي الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِ أَى الْأُمُورِ كَانَ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱، ۲۲۴) در این مقاله سعی شده است قلمرو مفهومی امر و نهی و تقسیمات مختلف آن مطالعه شود.

۱. چیستی روش تربیتی

تربیت عبارت است از فرایند یاری‌رسانی به یک انسان (متربی) برای ایجاد تغییر تربیتی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد؛ به طور خلاصه تربیت عبارت است از: فرایند ایجاد تغییرات تربیتی در یکی از ساحت‌های وجودی انسان به واسطه انسانی دیگر به منظور شکوفایی استعدادها از طریق اقدامات ایجابی و سلبی (اعرافی، ۱۳۹۴، ۱: ۱۴۰).

مجموع روش‌ها از حیث آسانی و دشواری، تأثیرگذاری و ... یکسان نیست، بعضی از روش‌ها سریع‌تر و آسان‌تر مکلف را به هدف می‌رساند. لذا در روایت نقل شده است که اگر کسی می‌خواهد

دیگری را به نیکی امر نماید، لازم است از شیوه معروف و مناسب استفاده کند (مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ فَلَيْكُنْ أَمْرُهُ ذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ (متقی هندی، ۱۴۰۵، ۳: ۶۶)).

قرآن کریم در دعوت‌ها و تبلیغات دینی بر استفاده از روش‌های خوب و کارآمد (حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن) تأکید دارد (نحل: ۱۲۵؛ بقره: ۱۸۹). از این آیه استفاده می‌شود که هر کاری، روش خاص دارد که در حین انجام آن، باید به شیوه انجام آن توجه کرد. بر اساس فرمایش امام رضا^(ع) هرکسی کاری را از روش خودش وارد شود، لغزشی پیدا نخواهد شد و اگر لغزشی رخ دهد، چاره او را خوار نخواهد کرد یعنی چون با درایت و توجه آن کار شده اگر مشکلی هم پیش بیاید، می‌تواند چاره‌اندیشی کند (مجلسی، ۱۴۱۰: ۷۵، ۳۵۶).

در حوزه تعلیم و تربیت روش‌ها ناظر بر انواع فعالیت‌های اختیاری هستند و از رابطه‌ای که این فعالیت‌ها با اهداف تعیین شده در تعلیم و تربیت دارند، انتزاع می‌شوند. ممکن است یک روش برای وصول به اهداف تربیتی در ساحتی خاص یا در مرحله‌ای خاص مناسب باشد.

۲. مفهوم اصل و تفاوت آن با روش

اصل در لغت به معنای ریشه، اساس و بنیان هر چیزی است. از آنجاکه ریشه سبب پایداری شیء می‌گردد این معنا بر نوعی از ثبات و استحکام دلالت دارد (فراهیدی، ۷، ۱۵۶؛ احمد بن فارس، ۱، ۱۰۹) به گونه‌ای که اصل هر شیء آن است که وجود شیء مستند به آن گردد به همین جهت گفته می‌شود پدر، اصل فرزند است (مقری فیومی، ۲، ۱۶).

اصل (principle) به رابطه مقرر میان پدیده‌ها یا عوامل گفته می‌شود مانند رابطه بین روش تدریس معین و پیشرفت تحصیلی، اصل امری عینی و واقعی است (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۷۶). در تعریفی دیگر از اصل آمده: «قواعدی است که می‌توان آن را نوعی دستورالعمل کلی و راهنمای عمل و تدابیر تربیتی دانست» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۳۷). برخی در تعریف «اصل» می‌نویسند: اصل در علوم کاربردی به صورت قضیه‌ای بیان می‌شود که دربردارنده «باید» است. اصول، قواعدی است که به منزله راهنمای عمل و تدابیر تعلیمی و تربیتی برای ما باشد (باقری، ۱۳۹۵، ۱: ۶۴-۶۵). اصل تربیتی ابزاری است برای مرییان که با استفاده از آن می‌توانند به موقع و درعین حال با روشن‌بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به نحو رضایت بخشی

انجام دهند (شکوهی، ۱۳۸۶: ۲۷) و بالاخره اینکه اصل، قاعده‌ای کلی، عینی، آلی متناظر باهدف که منشأکنش و واکنش مربی و متربی است یعنی آن دورا در موقعیت‌های تربیتی، برای گزینش رفتار تربیتی متناسب باهدف یاری می‌کند (رفیعی، ۱۳۸۱، ۳: ۱۳۰).

تفاوت اصل با روش: هریک از اصل و روش، برگرفته از مبانی و از قبیل دستورالعمل (کلی و جزئی) و از مقوله «باید» و «نباید» است اما در تفاوت اصل و روش دو نگاه مختلف وجود دارد. **منظر اول:** اصل عبارت از قاعده کلی حاکم بر تربیت است مانند رعایت تدریج، رعایت تفاوت‌های فردی، رعایت توان متربی، داشتن رفق و مدارا با متربی و... این‌ها قواعد کلی تربیت است اما روش قاعده جزئی و فعالیت عملی است که برای تحقق اهداف انجام می‌شود. در این نگاه ملاک اصل بودن «کلیت» آن و ملاک روش را جزئیت آن دانسته شده است (باقری، ۱۳۹۵، ۱: ۷۰).

منظر دوم: روش عبارت است از فعالیت و عملی که از مربی برای رسیدن به هدف صادر می‌شود که مابازاء خارجی دارد اما اصل عبارت از کیفیت و چگونگی عمل (که حاکم بر روش) است. اصول انحاء و اطوار وجود و از ویژگی‌های روش و مفهوم انتزاعی است لذا هویت مستقل ندارد. ملاک تفاوت این دو از قبیل تفاوت عمل و کیفیت عمل است (اعرافی، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر روش عبارت است از اقدام و عمل مانند زدن، تنبیه کردن، درس دادن، نصیحت کردن، انتقال مفاهیم و... اما اصول عبارت است از سیاست‌ها، راهبردها و قواعدی که کیفیت رفتار را معین می‌کند؛ بنابراین فیزیک عمل، روش و روح حاکم بر عمل، اصل است. البته مفاهیمی داریم که دو حیثیت دارند مانند رفق و مدارا یا حسن خلق که گاهی روش و گاهی اصل محسوب می‌شوند؛ رفق و مدارا به حیث رفتار مستقل و «فعالیت تربیتی» روش است و به عنوان «کیفیت سایر رفتارهای تربیتی، اصل تربیتی محسوب می‌شود.

تعریف روش تربیتی: روش تربیتی را شیوه بروز عمل یا فعالیت دانست که به منظور تأثیرگذاری بر متربی از مربی صادر می‌شود (قائمی مقدم، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۳). به عبارت دیگر روش‌های تعلیم و تربیت ناظر به انواعی از فعالیت‌های اختیاری مربیان است که می‌توانند آن‌ها را به اهداف تربیتی برسانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۴۵۰). در حوزه تعلیم و تربیت روش‌ها ناظر بر انواع فعالیت‌های اختیاری هستند؛ روش‌ها از رابطه که این فعالیت‌ها با اهداف تعیین شده در تعلیم و تربیت دارند،

انتزاع می‌شوند. ممکن است یک روش برای وصول به اهداف تربیتی در ساحتی خاص یا در مرحله‌ای خاص مناسب باشد.

امر به معروف و نهی از منکر، به مثابه روش تربیتی، عملی است که از انسان مکلف (مربی) به هدف تأثیرگذاری و تغییر در شناخت، گرایش و رفتار دیگران صادر می‌شود. هر فعالیتی که توسط عامل انسانی (مربی) به هدف تأثیرگذاری بر انسان دیگر (متربی) انجام گیرد، از آنجاکه فعل اختیاری مکلف است موضوع حکم شرعی قرار می‌گیرد.

۳. تحلیل مفهومی معروف و منکر

برخی دایره معنایی «معروف و منکر» را واجبات و محرمات شرعی می‌دانند (تفتازانی، ۱۴۱۲، ۲: ۵۸۰). برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو افزوده‌اند (فاضل مقداد، ۱۳۶۸: ۵۷-۵۸). به علاوه، در تبیین مفهوم این دو واژه مرجع تشخیص (شرع و عقل) نیز لحاظ شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۱). مرحوم علامه طباطبایی «معروف» را به معنای آنچه با ذائقه افراد یک جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد دانسته و می‌گوید: «فالمعروف يتضمن هداية العقل و حكم الشرع و فضيلته الخلق الحسن و سنن الادب» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲: ۲۳۶). در این معنا مرجع تشخیص معروف علاوه بر عقل و شرع، عرف اجتماعی نیز می‌باشد. معروف به چند معنی اطلاق می‌شود: ۱) مطلق فعل خیر و کار خوب؛ اعم از اینکه منافع آن به دیگران برسد یا نرسد. ۲) امر شناخته شده و در نقطه مقابل مجهول. ۳) احسان؛ یعنی هر عمل خیری که دارای نفع برای دیگران باشد. ۴) رفق و مدارا؛ تعبیر «عاشروهن بالمعروف» یعنی رفتار همراه با رفق و مدارا. برای معروف و منکر، می‌توان چهار اصطلاح مختلف ذکر کرد؛

۳-۱. معروف و منکر فقهی

مجموعه اعمال و تکالیف شرعی است؛ معروف شرعی عبارت است از احکام واجب، مستحب و گاهی مباح اما منکر عبارت است از حرام شرعی؛ تفاوتی نمی‌کند که حکم شرعی مورد نظر از عبادات، معاملات یا روابط بین انسان‌ها باشد؛ به تعبیر دیگر بر اساس ارتباطات انسان با خدا، با خویشان، با مردم و با طبیعت، احکام شرعی وجود دارد، همه این دستورات شرعی مصداق‌های معروف یا منکر هستند.

۲-۳. معروف و منکر حقوقی

معروف حقوقی چیزی است که از منظر دانش حقوق و قانون اساسی و قوانین عادی کشور به «خوب بودن» توصیف و به آن امر شده است و منکر چیزی است از منظر دانش حقوق، قانون اساسی و قوانین عادی مصوب دولت و پارلمان کشور به «بد بودن» متصف شده و از انجام آن نهی شده است. در مورد وجوب اطاعت از فقیه چهار قول است اما قول حق آن است که اطاعت از فقیه در آن دسته از اوامر حکومتی وی که تخلف موجب ضعف حکومت و دین و یا بدبینی مردم نسبت به حکومت می‌شود، واجب است زیرا قدر متیقن روایات نیابت عامه همین است (صدوق، ۴۸۳، ۲؛ فقیهی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

قوانین حکومت اسلامی که بعد از طی مراحل و با موافقت اجمالی ولی فقیه ابلاغ و عملیاتی می‌شود، اوامر حکومتی حاکم اسلامی است؛ طبق نظر مشهور فقها از جمله بسیاری از متأخرین و معاصرین مانند شهید ثانی، صاحب جواهر، شیخ انصاری، خویی، گلپایگانی، اطاعت از احکام حکومتی همانند احکام شرعی بر مردم واجب است. این فتوا با اطلاق آیات و روایات اهل بیت^(ع) اثبات شده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹؛ نساء: ۵۸ و ۵۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۵، ۵: ۷۶۴؛ فقیهی، ۱۳۹۱: ۹۴). قوانین مصوب در نظام اسلامی که به نحوی امضای ولی فقیه را به همراه دارد، بر اساس لزوم اتباع از احکام حکومتی حاکم اسلامی، لازم‌الاتباع است. بایدهای قانونی نظام اسلامی، معروف‌های حقوقی و نبایدهای قانونی، منکرهای قانونی و حقوقی است.

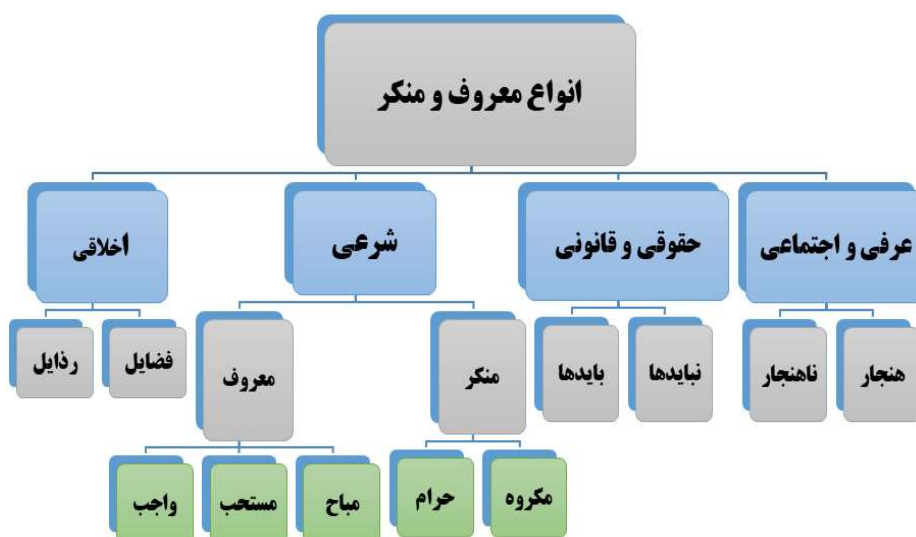
۳-۳. معروف و منکر اخلاقی

معروف اخلاقی عبارت است از هر چیزی که به یکی از فضایل اخلاقی متصف باشد؛ منکر آن است که به عنوان ردیلت شناخته شود. بر اساس دیدگاه عدلیه (امامیه و معتزله) معیار شناخت فضایل و ردایل اخلاقی (حسن و قبح) عقل آدمی است. معروف‌ها و منکرهای اخلاقی را می‌توان به کمک عقل و شرع، شناسایی و عملیاتی نمود. در منابع نقلی اسلام (قرآن و سنت) مصادیق متعدد و متکثر از معروف‌ها و منکرهای اخلاقی نقل شده است، حدیث «جنود عقل و جهل» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۲۱) مصداق بارز اجتماع فضایل و ردایل در سنت قولی (حدیث) است.

۳-۴. معروف و منکر عرفی

معروف عرفی آن است که مردم و عرف جامعه آن را خوب بدانند؛ منکر آن است که مردم آن را بد بدانند و آن را به زشتی بشناسند. به علاوه به لحاظ اینکه محوریت بحث در تربیت اجتماعی، هنجارها و نابهنجارها است، تبیین نوع رابطه معنایی میان معروف و منکر با هنجارها و نابهنجارها، در تعیین قلمرو و کارکرد این آموزه ضروری است. توضیح اینکه در علوم اجتماعی گرچه تعاریف گوناگونی از هنجار و نابهنجار ارائه شده ولی در معنای هنجار دو نکته مهم مدنظر است: «مقبولیت و پذیرش اجتماعی» و «ارزشمندی بنفسه یا بالتبع یک رفتار». پس هنجارها، شکل پذیرفته شده و مقبول ارزش‌های اجتماعی هستند؛ در مقابل، امر نابهنجار، رفتاری است که از سوی همه یا غالب افراد جامعه، به عنوان امری قبیح و ناپسند تلقی می‌شود و مغایر با ارزش‌های مورد قبول آن اجتماع است.

با این حال، تفاوت معنایی مهمی بین معروف با هنجار و منکر با نابهنجار وجود دارد و آن این است که معروف بیان‌گر نیکی و ضرورت انجام یک کار است، اما لزوماً دلالتی بر مقبولیت اجتماعی آن ندارد؛ منکر نیز گرچه حکایت از قبیح عمل (فعل یا ترک فعل) دارد ولی ضرورتاً به معنای عدم مقبولیت اجتماعی آن نیست. گرچه نوعی هم‌پوشانی بین معروف با هنجار و منکر با ناهنجار دیده می‌شود.



نمودار انواع معروف‌ها و منکرها

در این تحقیق مقصود از معروف، مطلق کار خیر است، باینکه در تعیین فعل معروف، عقل و شرع دخالت دارند، اگر مراد از معروف، معروف شرعی باشد، ابتدا باید شرعی بودن تمام معروف‌ها احراز شود و سپس حکم آن بررسی و مورد گفتمان واقع شود اما اگر مراد از معروف، معروف عقلی یا عقلایی (عرفی) باشد، شرعی بودن معروف‌های عرفی باید با ادله نقلی (آیات و روایات) احراز می‌شود.

در بررسی احتمالات می‌توان بیان نمود که اصل اولی در الفاظ اصالت عدم نقل از معنای لغوی است لذا از منظر شرع، اصل آن است که الفاظ در معنای حقیقی استعمال شود و آنچه در نظر عقلا راجح باشد را شارع مقدس امضاء نماید. استعمالات قرآن کریم و روایات منقول از اهل بیت^(ع) همین احتمال را تأیید می‌کند. بنابراین مراد از معروف در «بمعروف»، «عاشروهن بالمعروف» و ...، معروف عقلایی است. اما فعل معروف در اصطلاح شرعی عبارت است از فعلی که به حکم شرع «حسن» باشد. از معانی چهارگانه ذکرشده، معنای اول، دوم و چهارم از «معروف» فقهی خارج است.

فعل معروف (حسن شرعی) سه دسته است: ۱ معروف فعلی است که شرع به صورت مستقل

به حُسن آن حکم کرده است. ۲ فعلی است که خرد سلیم بر حُسن آن راه یافته است و بر اساس ملازمه عقلی، شرع نیز بر حُسن آن صحه گذاشته باشد در نتیجه اطلاق معروف بر آن شرعاً صحت حمل داشته باشد. ۳ معروف چیزی است که در نزد عقلا دارای رجحان باشد مگر مواردی که شرع از آن نهی کرده باشد.

در یک تقسیم دیگر و با توجه به احکام خمسسه تکلیفی، معروف عبارت است از امر دارای حکم واجب و مستحب؛ البته در مواردی «معروف» بر فعلی که دارای حکم الزامی است، اطلاق شده است و در نتیجه معروف بر فعل واجب اطلاق می شود. بنابراین مراد از معروف، آن چیزی است که شرع به صورت مستقل آن را راجح (واجب یا مستحب) دانسته باشد و یا اینکه بر اساس حکم عقل یا عقلا مستحسن باشد و شرع مقدس آن را امضاء کرده و یا حداقل از آن منع نکرده باشد.

۴. مصادیق معروف و منکر در قرآن و سنت

معروف به معنی چیزی است که عقل و فطرت پاک آن را به نیکی بشناسد. ابن اثیر می گوید: المعروف اسم جامع لكل ما عرف من طاعة الله و التقرب اليه و الاحسان الى الناس (ابن اثیر، ۱۴۲۱، ۳: ۲۱۶).

برخی از مصادیق معروف ها و منکرها در آیات قبل و بعد ۱۱۰ آل عمران که مربوط به امر به معروف و نهی از منکر است آمده است لذا ایمان، تلاوت قرآن، اندیشیدن و تفکر، جهاد، شهادت در راه خدا، عدالت، استقامت در راه خدا، رابطه و حفظ مرزهای اسلامی از تهاجم دشمنان، صدق، تقیه، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا، اتحاد و برادری و... از مصادیق معروف ذکر شده است.

برخی از مهم ترین رذایل و منکر اخلاقی (گناهان کبیره) در حوزه های اعتقادی، اخلاقی، فقهی عبارت اند از:

کفر، قتل پیامبران، گناه، نفاق و دورویی، دوستی با کافران، اصرار بر گناه، سستی و بی حالی، ظلم و ستم، کرنش در برابر دشمن، اطاعت از کفار، کشمکش و نزاع، فرار از جهاد، خیانت، بخل، رضایت به ظلم و گناه، فروختن دین و حق به دنیا، فتنه گری، حسد، بازیچه قرار دادن دین، دروغ گویی، فساد حاکمان، قطع رحم (نوری همدانی، ۱۳۶۷: ۸۱-۹۰)، خلف وعده،

خوردن مال یتیم، خیانت در امانت، دشنام و بدزبانی، رباخواری، ریا، زنا، لواط، سحر و جادو، سخن‌چینی، سرقت، سوءظن، شراب‌خواری و قماربازی، شهوت‌رانی، عجب، عقوق والدین، عیب‌جوئی، غفلت، غیبت، فخرفروشی، قتل نفس، کفران نعمت، کم‌فروشی و غش در معامله، مسخره کردن، نگاه حرام، وسوسه و شک. نقطه مقابل همین‌ها، معروف‌های اخلاقی است از قبیل وفای به وعده، امانت‌داری، ایثار، انفاق، صله‌رحم، راست‌گویی، حسن ظن، احترام به والدین، تواضع و...

جمع‌بندی مفهوم معروف و منکر

معروف و منکر حقوقی، اخلاقی و عرفی در صورت تأیید از ناحیه عقل و شرع مورد عمل قرار می‌گیرد. بهترین راه شناخت معروف و منکر، مراجعه به شرع مقدّس و عقل سلیم است. بر این اساس هر چیزی را که شارع مقدّس به آن امر کرد و مردم را به انجام آن تشویق نمود، آن چیز «معروف» و هرگاه شارع مقدّس، از چیزی نهی کرد و مردم را از انجام آن سرزنش نمود، آن چیز منکر است و هم‌چنین می‌توان برای شناخت معروف و منکر از عقل سلیم که حکم به حسن یا قبح مستقلات عقلی دارد، بهره برد. از انواع معروف می‌توان امور واجب و مستحب از قبیل ایمان، احیای مراکز دینی و مساجد، یتیم‌نوازی و ... و از انواع منکر امور حرام و مکروه از قبیل غیبت، دروغ و ... برشمرد. تبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان روش تربیتی برحسب اینکه چه معنایی از معروف و منکر اراده شود، متفاوت است زیرا اگر مراد از معروف تنها واجبات و مقصود از منکر تنها محرمات باشد کارکرد این آموزه در هدایت و تربیت متربیان به رفتارهای ویژه محدود می‌شود؛ در حالیکه در منطق رفتاری تربیت از منظر اسلام، مستحبات، مکروهات و حتی مباحات نیز در برمی‌گیرد.

۵. مراتب و قلمرو مفهومی امر و نهی

گرچه امر در لغت به معنای واداشتن و نهی به معنای بازداشتن است که در آن نوعی استعلاّی آمر و ناهی وجود دارد اما تبیین مفهومی این دو واژه در مبحث امر به معروف و نهی از منکر با مراتب آن پیوند خورده است لذا معنای جدیدی از این دو اراده می‌شود. فقها برای امر به معروف و نهی از منکر سه مرتبه قلبی، لسانی و یدی بیان کرده‌اند.

۵-۱. مرتبه قلبی

مرتبه قلبی از حیث اینکه از افعال جوانحی است قابلیت امر و نهی ظاهری را ندارد مگر در حد حب یا بغض و تنفر قلبی اما می‌توان به کمک جلوه‌های بیرونی آن‌که در چهره بروز می‌کند؛ مثلاً ابراز خشم و تنفر از طریق عبوس کردن چهره، روگرداندن و ابراز خوشحالی و رضایت با لبخند و امثال آن ممکن است.

۵-۲. مرتبه لسانی/گفتاری

در مرتبه لسانی صِرف «دستور دادن» به انجام کاری یا «باز داشتن» از انجام کاری، مصداق امر یا نهی دانسته نشده است بلکه موعظه کردن، نصیحت کردن، تشویق کردن، تعلیم دادن، راهنمایی کردن و امثال آن مصداق معنایی امر و نهی زبانی است.

مرتبه امر و نهی لسانی و گفتاری که در دیدگاه جان سرل، از آن به افعال گفتاری یا بیانی یاد می‌شود، دارای پنج نوع است. در این بخش به این به تقسیمات پنج‌گانه کنش‌های گفتاری اشاره می‌شود.

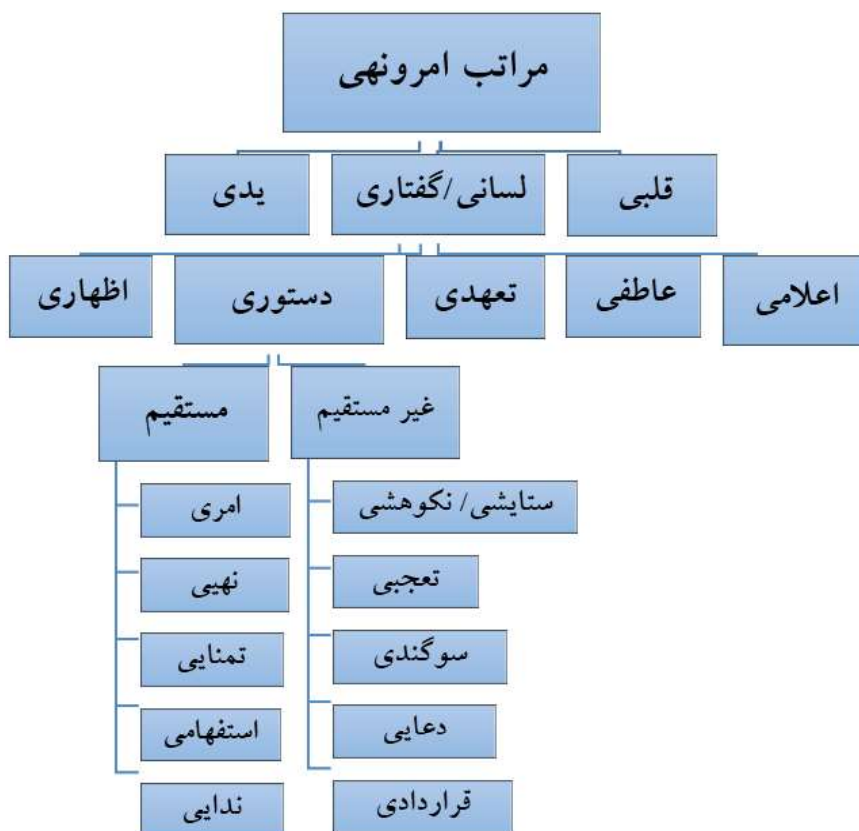
۵-۲-۱. **اظهاری (Representative act):** در این نوع فعل گفتاری، فرد آنچه را در جهان واقع اتفاق می‌افتد، بیان و دیدگاه خویش را درباره صحت و سقم آن اعلام می‌کند. گفتن، تأیید کردن، دلیل آوردن، اثبات کردن، توصیف کردن، شرح دادن، تفسیر کردن، واگذار کردن، معرفی کردن، اعتراض کردن، اعطا کردن، تصحیح کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، گزارش دادن، مطمئن بودن، نسبت دادن، ادعا کردن، بحث کردن، نسبت دادن، واگذار کردن نمونه‌هایی از فعل گفتاری اظهاری است. در این نوع کنش، عقاید گوینده بیان می‌شود و وی صادق بودن گزاره را تعهد می‌کند.

۵-۲-۲. **ترغیبی و دستوری (Directive act):** گوینده با استفاده از این فعل گفتاری از مخاطب می‌خواهد کاری انجام دهد. گاهی این کنش به صورت «تمنا» و «درخواست» و تقاضا مطرح می‌شود. فعل‌های گفتاری خواستن، توانستن، بایستن، هشدار دادن، اجازه دادن، سؤال کردن، دستور دادن، دعوت کردن، بازخواست کردن، درخواست کردن، توضیح خواستن، تقاضا کردن، توصیه کردن، پیشنهاد کردن، القا کردن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن و ... نمونه‌هایی از دسته فعل گفتاری ترغیبی است.

۳-۲-۵. **تعهدی (Commissive act):** در این فعل گفتاری گوینده، خویشتن را متعهد می‌کند که کاری را انجام دهد و به همین خاطر گاهی از افعال کنشی مرتبط به قول دادن، قسم خوردن، برنامه‌ریزی کردن، مخالفت کردن، هدیه دادن، توجیه و ثابت کردن و ... بهره می‌گیرد.

۴-۲-۵. **عاطفی (Expressive act):** در این نوع فعل گفتاری، گوینده احساسات (غم، شادی، درد، علاقه و ...) خویش را در برابر وقوع حوادث و اتفاقات بیان می‌کند. این کنش بیانگر حالت روحی روانی از قبیل بیان کردن آرزو، تشکر کردن، خوشامدگویی، خداحافظی کردن، معذرت خواستن، دلداری دادن، سلام کردن، احترام گذاشتن، تحسین و تعریف کردن، تبریک گفتن، شکایت، تهدید، دشنام، اهانت کردن، ابراز شادی و خشم و ... گوینده است. این نوع افعال گفتاری، احساسی و برقرارکننده روابط اجتماعی است.

۵-۲-۵. **اعلامی (Declarative act):** گوینده با استفاده از این کنش شرایط جدیدی را به مخاطب اعلام می‌کند. بعد از اعلام شرایط گوینده، تغییرات خاصی مانند «آغاز کردن کار، پایان دادن، انتصاب کردن، به کار گماریدن، عقد قرار کردن، اعلام کردن، نام‌گذاری» در جهان واقعی اتفاق می‌افتد. کنش و فعل اعلامی در صورتی محقق می‌شود که گوینده قدرت و صلاحیت لازم را داشته باشد.



نمودار مراتب مفهومی امر و نهی

با اینکه کاربرد مستقیم کنش‌ها و کاربرد غیر مستقیم آن‌ها تفاوت وجود دارد؛ جمله در سه نوع ساختار اصلی تقسیم می‌شود: ۱- ساختار خبری، ۲- ساختار پرسشی، ۳- ساختار امری و طلبی. با توجه به این سه نوع ساختار، سه نوع کارکرد مطرح است: ۱) کارکرد توصیف و بیان، ۲) کارکرد پرسش، ۳) کارکرد امر و طلب. اگر بین ساختار و کارکرد تطابق وجود داشته باشد، با کنش مستقیم روبرو هستیم و هرگاه بین ساختار و کارکرد مطابقت وجود نداشته باشد، با کنش‌های گفتاری غیر مستقیم مواجه هستیم.

بر اساس دیدگاه «افعال گفتاری» برخلاف دیدگاه سنتی که زبان را نهادی مستقل از عمل می‌داند، ارتباط مستقیمی بین عمل و زبان وجود دارد. زبان وسیله‌ای از جنس عمل و فعل است که گوینده به واسطه آن در ارتباطات انسانی مشارکت و در صدد تغییر واقعیت‌های اجتماعی

برمی‌آید. بر اساس این نظریه، دوگانگی بین زبان و فکر و همچنین بین فعل و واقعیت وجود ندارد بلکه فرد فکر، زبان، عمل و واقعیت، یک زنجیره به هم پیوسته در نظر گرفته می‌شود. از جانب دیگر در این دیدگاه صدق و کذب منحصر به گزاره‌های توصیفی نیست، بلکه در غیر توصیفی نیز با ملاحظه مقدمات و قواعدی که باعث کامروایی و ناکامی فعل گفتاری هستند، می‌توان صدق و کذب گزاره را لحاظ کرد. ابن فارس با اقتباس از جرجانی و سکاکی، کنش‌های کلامی دستوری (مستقیم) زبان عربی را به پنج کنش کلامی ارتباطی تقسیم کرده است:

۱. کنش امری: این کنش کلامی ممکن است در قالب صورت‌های زبان شناختی ذیل ظاهر شود: فعل امر مانند: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶) و «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: ۹۹)؛ صورت ناقصی که با لام امر آغاز می‌شود از جمله صیغه‌های امر پیشوند جزء فعلی «ل» امر است که معمولاً به اول و سوم شخص مفرد اضافه می‌شود و حس مهم ایجاد می‌کند مانند «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴).

۲. کنش نهیی: این حالت در صورت ناقصی به کار می‌رود که جزء فعلی «لا» در عربی برای نهی و نفی و در فارسی مبادا، نکند، نمی‌شود و امثال آن، آغاز می‌گردد مانند «وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۰۲).

۳. کنش تمنایی: این کنش کلامی با صورت‌های بیانی «لیت»، «هل»، «لعل»، «ولو» مانند آیات «يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ» (قصص: ۷۹)؛ «يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» (یاسین: ۲۶)؛ «لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق: ۱).

۴. کنش استفهامی: این کنش کلامی از طریق جزء فعلی‌های «هل» و برخی پرسش‌واژه‌هایی مانند «من»، «ای»، «کیف»، «این»، «متی»، «ما»، «کم» صورت می‌گیرد مانند «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ» (رعد: ۱۶).

۵. کنش ندایی: در متون اسلامی کنش ندایی با جزء فعلی‌های «یا»، «أیا»، «هیا» و «أی» بیان می‌شود مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» (بقره: ۲۱) و «يَا آدَمُ» (بقره: ۳۳).

کنش‌های کلامی دستوری (غیر مستقیم) به شیوه کنش‌های کلامی زیر دسته می‌شود:

۱. کنش کلامی ستایشی و نکوهشی (سرزنی/توبیخی): این کنش کلامی از طریق

افعال مدح و ذم بیان می‌شود. واژه‌هایی مانند بَسَّ و نِعَم در گزاره‌های افعال کنشی مدح و ذم به کار می‌روند مانند «فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرِ» (انفال: ۴)؛ «نِعَمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص: ۳۰)؛ «وَمَا وَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (آل عمران: ۱۶۲ و ۱۹۷)؛ «وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ» (هود: ۹۸).

۲. کنش تعجبی: تعجب با به‌کارگیری دو صورت قیاسی «ما افعِل» و «افعل به» (فعل‌های تعجب و غیر قیاسی و سماعی بیان می‌شود مانند «أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ» (بقره: ۱۷۵)؛ «فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا» (جن: ۱).

۳. کنش سوگندی / قسم: در قرآن کریم و روایات به دو شیوه بیان می‌شود: به کار بردن جزء فعل‌هایی نظیر «و»، «ت»، «ب» مانند واللّه، تالله، بالله والذی نفسی بیده و ... و به کار بردن عبارت اقسام بالله مانند آیات آغازین سوره شمس (آیات ۱-۱۰)، سوره قیامه آیات ۱ و ۲؛ «وَالذی نفسی بیده، إِنْ هَذَا وَشِيعَتُهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ» (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۵، ۷۲۱).

۴. کنش‌های دعایی: این کنش به واسطه جزء فعل‌هایی «لعل» و افعال دعایی مانند «عسی»، «حری»، «أَخْلُوقْ» بیان می‌شود. «فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ» (نساء: ۹۹)؛ «لَعَلَّ اللَّهَ يَحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق: ۱).

۵. کنش‌های قراردادی: این صورت‌ها با به کار بردن صورت زمان گذشته حاصل می‌شود مانند اشتريت، قبلت، وهبت، بعت و ... ساخته می‌شود؛ مانند «وَأَمْرًا مُؤَمَّنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ» (احزاب: ۵۰).

۵-۳. مرتبه یدی

تفسیر «ید» به «ضرب، جرح و حتی قتل» نادرست است، در بیان برخی از فقها «ید» تنها محدود به موارد ذکر شده نبوده و «ید» کنایه از قدرت تلقی شده که دامنه رفتاری بسیار گسترده‌ای همچون «به ازدواج درآوردن جوانان عزب»، «ساختن مدارس» و دیگر مکان‌های مورد نیاز، «چاپ و نشر کتاب‌های سودمند»، ایجاد اشتغال و ... را شامل می‌شود (نوری همدانی، ۱۳۶۷: ۲۹۵). بنابراین نوع برداشتی که از امر و نهی در هریک از مراتب آن به ذهن متبادر می‌شود و نیز جواز یا عدم جواز اعمال هریک از مراتب سه‌گانه، نقش و کارایی این آموزه را در تربیت اسلامی اجتماعی اسلامی تحت الشعاع قرار می‌دهد.

امر و نهی به معنای واداری و بازداری ترجمه شده، هر نوع اقدامی است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم مخاطب (متربی) را به تحرک برای انجام فعل یا ترک آن وادار نماید، بر آن امر و نهی صدق می‌کند. برخی از مصداق‌های شیوه‌های امر و نهی می‌تواند زمینه‌ها و مقدمات آن را پوشش دهد مانند تغافل، تعلیم، تشویق، الگودهی، رفق و مدارا، جدال احسن و...؛ بخشی از این روش‌ها از جهتی مقدمه یا از لوازم امر و نهی است ولی از جهت دیگر و با تعریف عام، شیوه‌های اجرایی امر و نهی محسوب می‌شوند؛ همه این شیوه‌ها مصادیق امر و نهی به حساب می‌آیند.

در مفهوم امر و نهی استعلاء و برتری آمر و ناهی هنگام امر و نهی نسبت به مأمور و منهی اشراب شده است؛ آمر و ناهی یا واقعاً در رتبه بالاتر از مأمور و منهی قرار دارد مانند پدر و مادر نسبت به فرزندان، حاکم نسبت به رعیت و یا حداقل آمر و ناهی در مورد موضوع امر و نهی خود را برتر می‌داند لذا از موضع برتر امر و نهی می‌کند مانند دوفرد عادی نسبت به یکدیگر و حتی مانند رعیت نسبت به والی و حاکم. باینکه برخی از فقها (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲، ۲۳۸) استعلائی خارجی را شرط می‌دانند ولی به نظر می‌رسد استعلائی روانی در هنگام امر و نهی کفایت می‌کند. بر همین اساس مردم عادی می‌توانند حاکمان جامعه را نهی از منکر کنند.

۶. صورت‌بندی مفهومی امر به معروف و نهی از منکر

در این تحقیق مدنظر است امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه عموم شهروندان جامعه اسلامی، خانواده‌ها، عالمان دین و حکومت اسلامی است (نگاه نخست) که به روش‌های مختلف قلبی، لسانی (گفتاری) و یدی (عملی)، مخاطب (متربی) یا مخاطبان (متربیان) را که در هر موقعیت اجتماعی و شغلی باشند، در ترویج معروف‌ها و بازداشتن از منکرات کمک می‌کند. هر عمل جوارحی یا جوانحی که امکان بهره‌وری از آن جهت بعث و واداری به کار نیک و یا بازداری از عمل منکر داشته باشد، مصداق امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود و در این تحقیق می‌تواند به حیث شیوه امر و نهی به حساب آید. بر همین اساس نه فقط امر و نهی مستقیم و غیر مستقیم بلکه روش الگویی، تشویق و تنبیه، تعلیم، اعراض از مجلس گناه، موعظه حسنه و امثال این‌ها شیوه‌های اجرای امر و نهی محسوب می‌شوند.

در تعریف صحیح‌تر، امر به معروف یعنی وادارسازی، برانگیختن و فرمان دادن (با قلب، لسان

و ید) به چیزی که از منظر عقل، خوب و مطلوب و از منظر شرع مأمور به و دارای مصلحت باشد و نهی از منکر عبارت است از بازداشتن و منع کردن (در هر سه سطح) از چیزی که از دیدگاه عقل، قبیح و ناپسند و از منظر شرع منهی و نامطلوب است.

در این مورد دو دیدگاه وجود دارد: در منظر نخست، امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از کلیه اعمال و تدابیر مردمی، خانوادگی، علمایی، حکومتی (قوه مجریه) و قضایی که به انگیزه واداری و بازداري مخاطب انجام می‌شود. در این دیدگاه که موسع‌ترین دیدگاه از امر به معروف و نهی از منکر است، عمل به هر یک از قوانین و تکالیف شرعی و از جمله قوانین جزایی مصداقی از عمل به این دوروش تربیتی است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر عنوانی برای عمل به همه احکام و قوانین، توصیه‌ها و نصیحت‌های اخلاقی است مثلاً نوع رفتار یک عالم دینی به لحاظ آنکه الگوی رفتاری برای دیگران است امر به معروف و نهی از منکر است.

در منظر دوم، امر به معروف و نهی از منکر اجرای قوانین جزایی توسط قاضی (قوه قضاییه) را شامل نمی‌شود، از طرفی عمل دولت (قوه مجریه) به مفاد این فریضه با اصطلاح خاص «حسبه» یاد شده است؛ بنابراین آنچه زیر مجموعه امر به معروف و نهی از منکر باقی می‌ماند ناظر به تکالیف شهروندان جامعه اسلامی است.

به عبارت دیگر، می‌توان از دو نوع امر به معروف سخن گفت: دولتی و غیردولتی. حسبه شکلی از دخالت مستقیم دولت در کنترل رفتارها و پاسخ‌دهی به نقض هنجارهای اجتماعی است که عمل دولت به تکلیف همگانی امر به معروف و نهی از منکر تلقی می‌شود (حسینی، جزوه درسی، ص ۶۴). چنان‌که ابن خلدون می‌نویسد: «حسبه وظیفه دینی است از باب امر به معروف و نهی از منکر که بر متولی امور مسلمین فرض است، او شخص شایسته‌ای را برای انجام این وظیفه می‌گمارد و انجام این تکلیف وظیفه است» (همان، ۶۵).

امر به معروف و نهی از منکر فعالیتی است که به هدف اصلاح رفتار فرد و جامعه، برانگیختن افراد جامعه برای انجام کار و یا بازداشتن آنان از انجام عملی، انجام می‌گیرد. امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین و یکی از فعالیت‌ها و روش‌های تربیتی است که در قرآن و روایات محور سایر مباحث دینی قرار گرفته است.

۷. ساختار تقسیم‌بندی روش‌های امر و نهی

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، «روش» تربیتی است زیرا عملی است از سوی مکلف و مربی (به معنای عام) برای تأثیرگذاری روی مخاطب (مربی) به هدف کمک به هدایت، رشد و تعالی مربی؛ بنابراین امر و نهی اولاً روش است چون فعالیت و عمل است؛ ثانیاً روش تربیتی است چون در جهت تأثیرگذاری و تغییر در شناخت، گرایش و رفتار دیگران (مربی‌ان) انجام می‌شود زیرا هر فعالیتی که توسط عامل انسانی (مربی) به هدف تأثیرگذاری بر انسان دیگر (مربی) انجام گیرد، روش تربیتی محسوب می‌شود. همین شیوه (فعالیت) تربیتی از آنجاکه فعل اختیاری مکلف است می‌تواند موضوع حکم شرعی قرار گیرد.

بنابراین امر و نهی مستقیم و غیرمستقیم، ارائه الگو، تشویق، وعده دادن، آگاهی‌دهی، اعراض از مجلس گناه، موعظه، انداز، جدال احسن، تعلیم، تسنن سنت و ... مجموعه فعالیت‌های انسانی است که در راستای انجام امر به معروف و نهی‌ازمنکر و به هدف تأثیرگذاری بر انسان دیگر (مربی) از انسان بالغ و مکلف (مربی) صادر می‌شود و از آنجاکه فعل اختیاری مکلف است، قابلیت مطالعه از منظر فقه را دارد.

روش‌های امر و نهی از جهات مختلف قابلیت تقسیم‌بندی را دارد؛ از حیث ساحت‌های تربیتی، مراتب امر و نهی، ویژگی‌های مخاطبان (سن، جنس، اعتقاد، سطح سواد و...)، آمر و ناهی و... می‌توان امر به معروف و نهی‌ازمنکر و روش‌های آن را به انواع گوناگون تقسیم نمود که به مهم‌ترین این تقسیمات اشاره می‌شود.

۷-۱. تقسیم روش‌ها به حسب کلیت و جزئیت

در مورد روش‌ها دو رویکرد وجود دارد، در رویکرد اول روش‌ها عبارت است از همه باید‌ها و نبایدهای جزئی، اما در رویکرد دوم (رویکرد مقبول) روش‌ها باینکه از مقوله باید و نباید است، مجموعه رفتارهای انسانی است به هدف تأثیرگذاری بر انسان دیگر. بر اساس رویکرد دوم، روش‌ها دو دسته‌اند: ۱) روش‌های عام که می‌تواند حوزه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری و همچنین ساحت‌های مختلف تربیتی را پوشش بدهد، ۲) روش‌های خاص که اختصاص به حوزه خاص (یکی از حوزه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری) و یا یک یا چند ساحت از ساحت‌های تربیتی را شامل می‌شود. به تعبیر دیگر روش‌ها می‌تواند سلسله‌مراتب داشته باشد و روش‌ها به

فردی، صنفی، نوعی و جنسی تقسیم می‌شود. از باب مثال تشویق و تنبیه روش‌هایی کلی و جنس هستند که در زیرمجموعه خود تعداد زیادی مصداق دارند. از «روش تنبیه» به عنوان جنس، از «روش زدن» به عنوان «نوع» و از «زدن با شلاق» به حیث «صنف» و از «تنبیه بدنی خاص که در زمان و مکان خاص با وسیله خاص اتفاق می‌افتد، می‌تواند به عنوان «فرد» یاد کرد.

۲-۷. تقسیم روش‌ها به ایجابی و اصلاحی

روش‌ها از حیث نوع عمل به دو دسته کلی ۱. ایجابی و ابتدایی، ۲. اصلاحی و تغییردهنده تقسیم می‌شود؛ در این بین امر به معروف و نهی از منکر روش اصلاحی است.

۳-۷. تقسیم روش‌ها از حیث منبع (مصرح و غیر مصرح)

روش‌ها از حیث ارتباط با نص دینی به دو قسم مصرح مانند موعظه، تبشیر و انذار و غیر مصرح تقسیم می‌شود. مقصود از اصطلاح «مصرح» این است که برخی از روش‌های تعلیم و تربیت روش‌هایی اند که در متن آیات و روایات و منابع دینی به آن‌ها تصریح شده است، یعنی به عنوان اولی نسبت به آن‌ها توصیه شده است، اما بسیاری از روش‌های تربیتی روش‌های غیر مصرح هستند و در منابع دینی نیامده است.

قابل ذکر است که در منابع دین اسلام برای انتخاب روش‌ها ملاک‌هایی ارائه شده است مانند انتخاب بهترین روش، متقن‌ترین و سریع‌ترین روش و... این موارد استحباب دارد؛ اما اینکه خصوص این یا آن روش مطرح باشد این چیزی است که از تجربه خود بشر به دست می‌آید؛ بنابراین روش‌های مصرح نسبت به روش‌های غیر مصرح محدود است. روش‌های مصرحی که در این نوشتار از قرآن و حدیث استخراج و بیان گردیده است، بر اساس قواعد عام فقهی استنباط و از متن دینی استخراج شده است.

۴-۷. روش‌ها به حسب ساحت‌های تربیتی انسان

وجود انسان متشکل از سه ساحت مهم بینشی و شناختی، گرایشی و عاطفی و ساحت کنشی و رفتاری است؛ دسته‌بندی روش‌های امر و نهی بر اساس ساحت‌های سه‌گانه اصلی فوق‌الذکر و با رعایت طبقه‌بندی میان شیوه‌های مزبور قابل انجام است؛ بنابراین روش‌ها تقسیم می‌شوند به:

۱. روش‌های شناختی مانند روش تعلیم و اعطای بینش؛

۲. روش‌های عاطفی و گرایشی مانند ابراز محبت و تقبیل؛

۳. روش‌های عملی مانند تنبیه بدنی؛

۴. البته روش‌های فراگیر نیز داری که شامل همه ساحت‌های تربیتی می‌گردد و اختصاص به بُعد خاصی ندارد مانند تشویق و تبشیر و تنبیه.

۵-۷. روش‌های امر و نهی به حسب مراتب

با عنایت به اینکه فقها برای نهی از منکر قائل به مراتب طولی هستند، روش‌های اجرایی امر و نهی به‌ویژه انکار منکر به حسب مراتب عبارت‌اند از: ۱) روش‌های نهی از منکر قلبی و جوارحی (که با نوعی ابراز همراه باشد) مانند روش راضی نبودن، اخم کردن، قهر کردن، روگرداندن و... ۲) روش‌های امر به معروف و نهی از منکر زبانی مانند موعظه و نصیحت کردن. ۳) روش‌های امر و نهی عملی و «یدی» مانند تنبیه بدنی.

۶-۷. روش‌های امر و نهی از حیث آمر و ناهی

عواملی که در حوزه امر به معروف و نهی از منکر تکلیف شرعی الزامی یا رجحانی بر عهده آنان نهاده شده است، دو دسته (شخصیت حقیقی و حقوقی) هستند. یک فرد می‌تواند به اعتبارهای مختلف تکالیف مختلف داشته باشد مثلاً زید به عنوان یک انسان مکلف، به اعتبار پدر بودن، به اعتبار عالم بودن و به اعتبار حاکم بودن می‌تواند مخاطب به خطاب‌های مختلف شود. روش‌های اجرایی امر به معروف و نهی از منکر به دودسته کلی (کلی و عام- خاص و جزئی) قابل تقسیم است. الف) روش‌های عام؛ روش‌های عام روش‌های است که اختصاص به گروه خاص از آمران و ناهیان ندارد مانند امر و نهی مستقیم، امر و نهی غیرمستقیم، تشویق و تبشیر و...

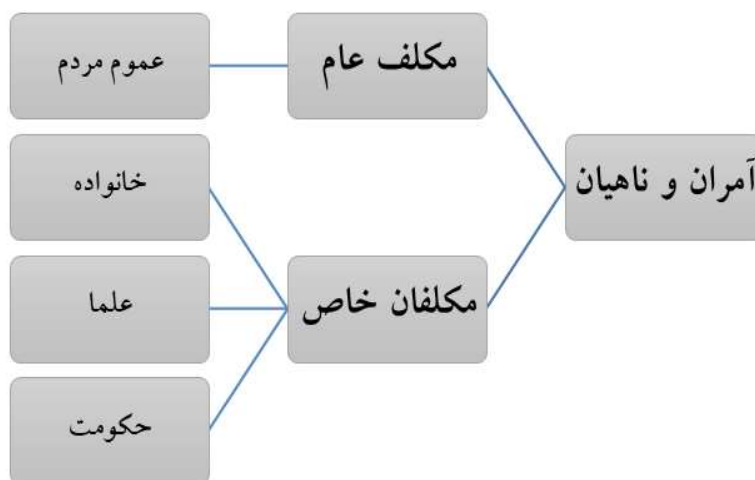
ب) روش‌های خاص؛ روش‌های خاص روش‌هایی است که به یک یا چند گروه از آمران و ناهیان (نهادی خاص) اختصاص دارد و یا حداقل کاربرد غالبی آن در یکی از نهادهای خاص است. نهادهای مهم آمر و ناهی و شیوه‌های اجرایی امر و نهی در آن به‌قرار زیر است:

➤ روش‌های امر و نهی حکومتی مانند تسنین سنت حسنه، اقتدار، قانون‌گذاری، تصویب

مقررات و آئین‌نامه‌ها، تأسیس مؤسسه و نهاد و...

➤ روش‌های امر و نهی خانوادگی: مانند روش الگودهی، همانندسازی، تعلیم و...

➤ روش‌های امر و نهی ویژه عالمان: مانند روش تبیین و توصیف، موعظه و خطابه و...



نمودار آمران و ناهیان

۷-۷. روش امر و نهی بر حسب مخاطب

مخاطب از حیث علم و جهل به (۱) عالم، (۲) جاهل، (۳) غافل، (۴) ناسی و... قابل تقسیم است. اگر آمر و ناهی بتواند وضعیت مخاطب را بداند (از حیث علم و جهل) در روش و نوع امر و نهی کردن وی تأثیرگذار است. نسبت به مخاطبی که جاهل، غافل یا ناسی باشد، لازم است قبل از امر و نهی، جهل‌زدایی، غفلت‌زدایی و نسیان‌زدایی شود سپس به یکی از روش‌های رایج و مجاز اقدام به امر و نهی وی نماید. چه‌بسا در مواردی بعد از جهل‌زدایی یا غفلت‌زدایی مخاطب متنبه شود و نیازی به امر و نهی نباشد.

ممکن است سؤال شود که امر به معروف و نهی از منکر با اصطلاحات جاهل، غافل و ناسی چه ارتباطی دارد؟ در پاسخ می‌توان بیان کرد که امر به معروف و نهی از منکر در برداشت سنتی بر این فرض استوار است که مخاطب امر و نهی عالم است، اما بر اساس تعریفی که در این تحقیق ارائه شد، قلمرو امر و نهی وسیع است و شامل آگاهی‌دهی نیز می‌شود. با توجه به این نکته، در بحث از شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر التفات به اینکه مخاطب از حیث دانایی در چه وضعیتی است، می‌تواند در انتخاب شیوه‌های اجرایی تأثیرگذار باشد. اگر آمر و ناهی علم یا

اطمینان داشته باشد که فاعل منکر و تارک معروف، جاهل است، باید از روش «تعلیم» و «اعطای بینش» بهره برد. بنابراین التفات آمر و ناهی به وضعیت علمی مخاطب دارای اثر عملی است؛ یکی از آثار این آگاهی، تأثیر در انتخاب نوع روش اجرایی است.

الف) مخاطب از حیث اعتقاد

مخاطب (مربی) امر به معروف و نهی از منکر از حیث اعتقادی می‌تواند حالات گوناگون داشته باشد.

۱. امر و نهی مخاطبی که شیعه امامی است.
 ۲. امر و نهی مخاطبی که مسلمان است؛ اعم از شیعه غیر امامی و اهل سنت.
 ۳. امر و نهی مخاطبی که کافر اهل ذمه و اهل کتاب باشد.
 ۴. امر و نهی مخاطبی که کافر حربی یا ملحد باشد.
- غالب روش‌های امر و نهی نسبت به اعتقاد و دین مخاطب خنثی است. بخشی از ادله روایی و عقلی که به تفاوت بین مسلمان و غیرمسلمان نظر دارد، نگاه سخت‌گیرانه به مسلمان و سهل‌گیرانه به غیرمسلمان دارد زیرا ایمان مسئولیت شرعی انسان را مضاعف می‌نماید.

ب) مخاطب از حیث رویکرد فقهی

مخاطب از حیث جهت‌گیری فقهی و اجتماعی‌اش با آمر و ناهی در مورد متعلق امر و نهی به موافق، بی‌طرف، مخالف و معاند تقسیم می‌شود. مخالفت مخاطب، می‌تواند مبتنی بر یکی از منهج تقلیدی و اجتهادی باشد. نوع رفتار آمر و ناهی که اهل دقت باشد به‌ویژه عالمان و حاکمان نسبت به حالات مخاطب از حیث گرایش فقهی، می‌تواند متفاوت و گوناگون باشد. اگر ناهی از منکر، عملی را حرام بداند در حالیکه مخاطب (اجتهاداً یا تقلیداً) معتقد به حلیت همان عمل باشد، آیا بر ناهی از منکر لازم است درصدد نهی از منکر برآید و یا اینکه نهی از منکر از وی ساقط است بلکه منتفی به انتفای موضوع است. این مثال بیانگر تأثیر رویکرد و دیدگاه فقهی طرفین است.

ج) مخاطب از حیث سن

ج) مخاطب از حیث سن به ۱. کودکان ۲. نوجوانان ۳. جوانان ۴. بزرگسالان ۵. کهنسالان قابل تقسیم است. نحوه تعامل آمر و ناهی با مخاطب بستگی به سن و سال وی دارد؛ زیرا سن

مخاطب در قدرت درک و فهم وی تأثیرگذار است. در این تقسیم‌بندی (برحسب توالی سن تقویمی) لازم است متناسب به سن و شرایط فرد روش‌های مناسب و مؤثر را از منابع و نصوص استخراج، بیان و مورد استفاده قرار داد. برخی روش‌ها از حیث نسبت زمان و مخاطب به روش‌های زمینه‌ساز، روش‌های تعلیمی، روش‌های تکمیلی، روش‌های بازدارنده تقسیم کرده‌اند.

ممکن است در مورد امر به معروف و نهی از منکر نسبت به غیر مکلف (کودک، نوجوان، مجنون و...) اشکال شود؛ اما با توجه توسعه معنایی امر و نهی گاهی می‌توان به افراد غیر مکلف نیز امر و نهی کرد. نسبت به کودکان و نوجوانان اگر امر و نهی اصطلاحی محل اشکال باشد، امر و نهی تمرینی همانند تربیت زمینه‌ساز و عبادت تمرینی، می‌تواند در زندگی دینی و تربیت اجتماعی وی تأثیر بسزایی داشته باشد.

د) مخاطب از حیث جنسیت

مخاطب از حیث جنسیت به ۱. مخاطب مرد ۲. مخاطب زن تقسیم می‌شود. نهی از منکر مردان با زنان از حیث نحوه تعامل و روش‌های عملیاتی می‌تواند یکسان باشد و می‌تواند به دلیل تفاوت‌هایی که در دو جنس وجود دارد، روش‌ها متفاوت باشد.

ه) مخاطب از حیث قدرت و تمکن

مخاطب امر و نهی گاهی مردم عادی هستند و گاهی افراد شاخص هستند اعم از عالمان، کاسبان و صاحبان قدرت و مکنّت. واداری و بازداري گروه‌های خاص دشوارتر از افراد عادی و اجر آن بیشتر است.

امر به معروف و نهی از منکر حاکمان و والیان در روایات با عناوین «النصيحة لائمة المسلمين» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷/۱: ۴۰۳) و «مَنْ مَشَى إِلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَوَعَظَهُ وَخَوْفَهُ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الثَّقَلَيْنِ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَ مِثْلُ أَعْمَالِهِمْ» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۶، ۲۳۰) مورد تأکید قرار گرفته و حکم شرعی رجحان بلکه وجوب نصیحت و نهی از منکر حاکمان قابل استنباط است. گرچه ادله خاصه نبود، از ادله عام که مخاطب امر و نهی را معین نکرده، لزوم نهی از منکر حاکمان و والیان قابل استنباط بود.

۷-۸. روش‌های امر و نهی از حیث محتوا

محتوا و متعلق امر و نهی می‌تواند از امور دینی (اعتقادات، اخلاقیات، احکام شرعی) و همچنین از احکام عقلی و یا قوانین موضوعه حکومت اسلامی باشد. هر مکلف علاوه بر اینکه موظف است وظایف شخصی خویش را انجام دهد، موظف است دیگران را ارشاد و هدایت نماید. برای انجام رسالت هدایتگری موظف است از روش‌های مناسب بهره‌برد؛ یکی از پرکاربرترین روش‌ها، روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر است. در بحث از دسته‌بندی شیوه‌های اجرای امر و نهی، این سؤال مطرح است که آیا این شیوه‌ها نسبت به محتوا و متعلق امر و نهی خنثی است و یا اینکه می‌توان برای محتوای معین، از روش خاصی بهره‌گرفت. بر فرض پذیرش تأثیر شیوه نسبت به محتوا و متعلق، می‌توان طرح کرد که مسائل و تکالیف انسان که متعلق امر و نهی قرار می‌گیرد در یک دسته‌بندی کلی سه دسته می‌شوند که روش‌های امر و نهی به تناسب آن‌ها، به سه دسته قابل تقسیم است:

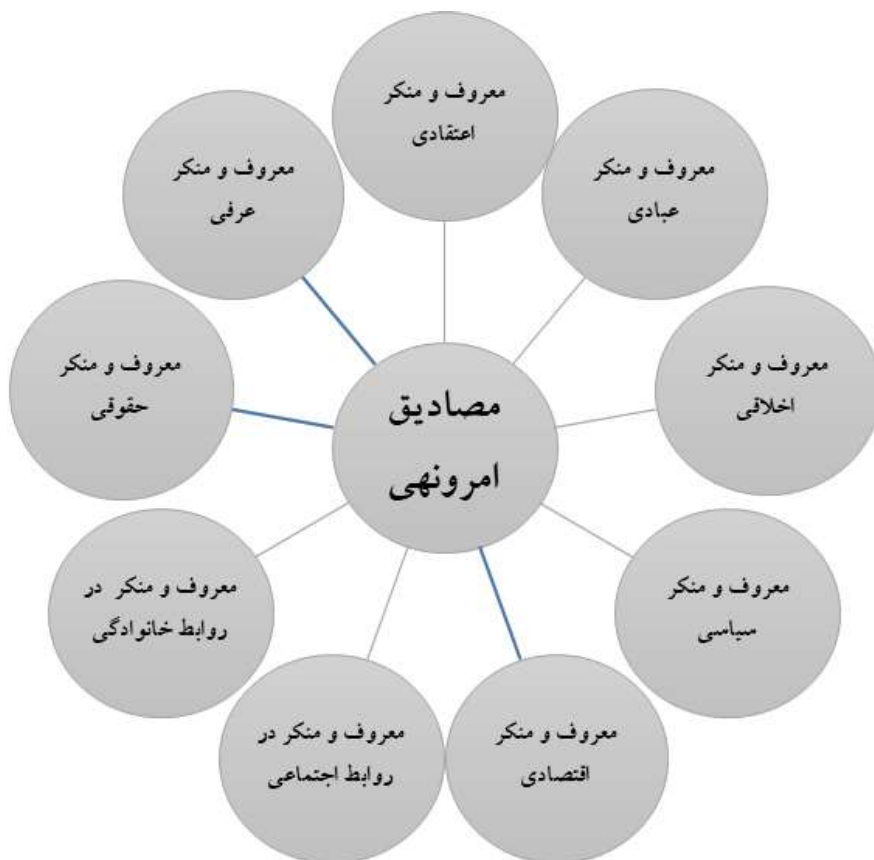
الف) روش‌های امر و نهی نسبت به محتوای اعتقادی؛ ترویج و اشاعه عقاید حقه اسلامی به‌ویژه اصول اعتقادی نیازمند آموزش، تشویق و ترغیب و جهت‌دهی افراد دارد.

ب) روش‌های امر و نهی نسبت به محتوای فقهی (ضروری یا فتوا).

ج) روش‌های امر و نهی نسبت به محتوای اخلاقی.

د) روش‌های امر و نهی نسبت به محتوای در روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و خانوادگی

و ...



نمودار: مصادیق کلی امر و نهی در قرآن (فانمی مقدم، روش های تربیتی در قرآن، ۱۳۹۹: ۱، ۱۵۸)

۷-۹. سایر تقسیمات روش های امر و نهی

شیوه های امر و نهی تقسیمات دیگری را نیز دارد که به برخی از آن اشاره می شود.

الف) روش های اجرای امر و نهی از جهت عمل آمر و ناهی به روش های کلامی (بیانی و گفتاری) و غیرکلامی؛ و روش های غیرکلامی به روش های اشاره ای، روش های کتبی و ترکیبی تقسیم می شود.

ب) شیوه های اجرای امر و نهی از حیث شیوه عمل به روش مستقیم و غیرمستقیم (کنایه، ایهام، تحقیر، تعرض به شخصیت یا تجلیل و...) تقسیم می شود.

ج) فرض دیگر در تقسیم روش مبتنی است بر تفاوت روش های امر با روش های نهی، می توان

روش‌ها را روش‌های آمرانه و تحریکی و روش‌های ناهیهانه و بازدارنده تقسیم نمود. این تقسیم مقتضای امر و نهی است.

د) روش‌های اجرایی از حیث تلقی مخاطب به روش‌های دیداری، شنیداری، چندرسانه‌ای تقسیم می‌گردد.

ه) ترکیب روش‌ها از جهات مختلف با یکدیگر دسته‌بندی‌های دیگری به دست می‌آید از قبیل روش‌های مستقیم کلامی، روش‌های مستقیم غیرکلامی، روش‌های غیرمستقیم کلامی، روش‌های غیرمستقیم غیرکلامی و ...

نتیجه‌گیری

اولاً روش تربیتی بر یک مبنا عبارت بود از هر فعالیتی که توسط عامل انسانی به هدف تأثیر گذاری بر انسان دیگر انجام می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر فعلی است که با چنین هدفی عملیاتی (تأثیرگذاری عامل انسانی بر انسان دیگر) می‌شود؛ بنابراین امر به معروف و نهی از منکر همه ویژگی‌های روش بودن را دارا است.

ثانیاً روش امر و نهی در مقام اجرا با توجه شرایط آمر و ناهی، مأمور و منهی و مراتب امر و نهی و ... نیازمند شیوه‌ها و روش‌های عملیاتی و اجرایی است. با توجه به قلمرو و گستردگی مصادیق امر و نهی و مراتب آن، آمر و ناهی در مقام عمل از شیوه‌های اجرایی گوناگون بهره می‌برد. کیفیت امثال و عملیاتی‌سازی امر و نهی می‌تواند از شیوه‌های قلبی، لسانی و یدی باشد؛ چنانچه این شیوه‌ها می‌تواند از روش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری باشد.

ثالثاً، وظیفه آمر و ناهی به گستردگی مفهومی معروف و منکر (فقهی و شرعی، حقوقی و قانونی، اخلاقی، عرفی و اجتماعی) وسیع است؛ از جانب دیگر احکام از حیث شمول، شامل احکام الزامی و غیر الزامی می‌شود.

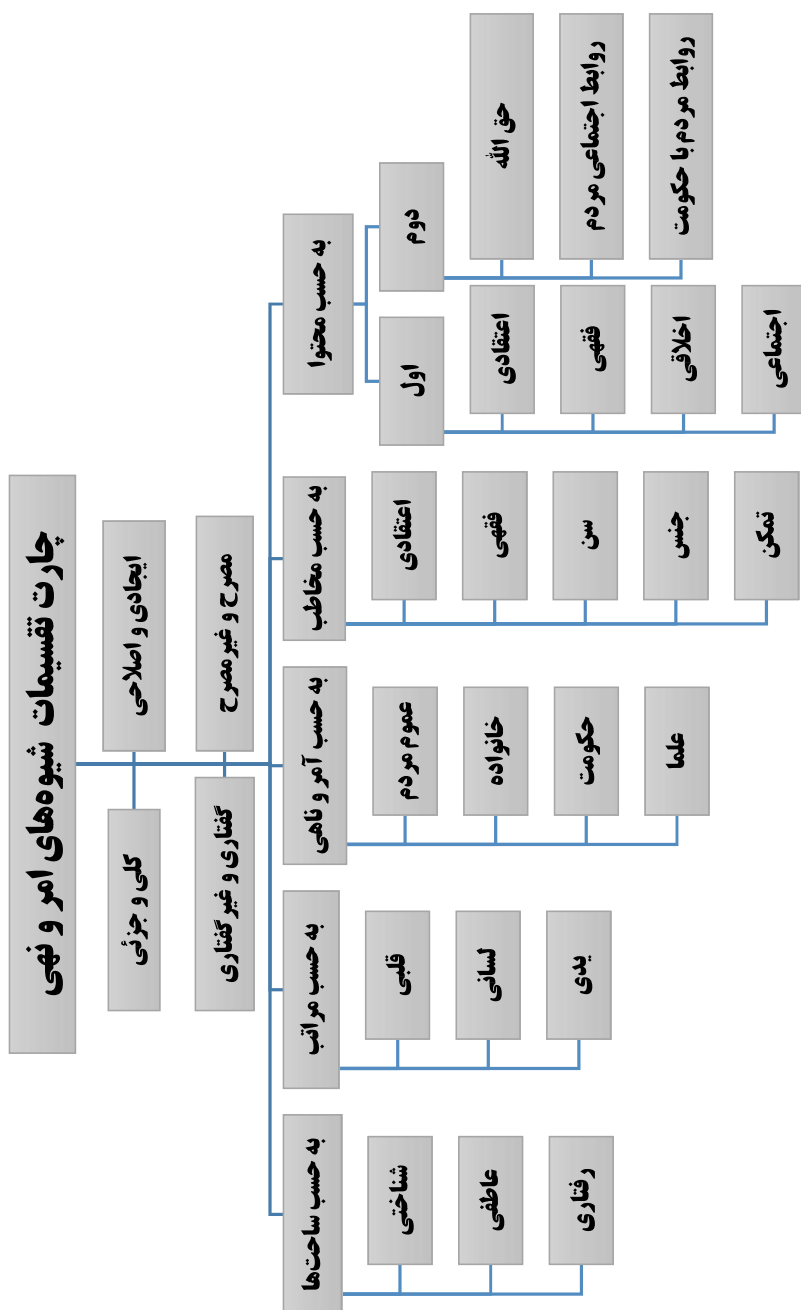
رابعاً، از آنجاکه امر به معروف و نهی از منکر و شیوه‌های اجرای آن فعالیت اختیاری مکلفان است، موضوع علم فقه است؛ لذا می‌توان آن را از منظر فقه مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق روش امر به معروف و نهی از منکر و همچنین شیوه‌های اجرای آن از منظر فقه مطالعه می‌شود.

خامساً، بحث از شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر و دسته‌های آن‌ها از حیث امر و نهی،

آمر و ناهی، مأمور و منهی، متعلق امر و نهی و... با اینکه نیاز به بحث استدلالی و عمیق علمی دارد. سادساً، شیوه تربیتی عبارت است از همه عمل و رفتاری (جوانحی و جوارحی) که به هدف تأثیرگذاری بر مربی (مخاطب) مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. طبق این تعریف از همه افعال اختیاری مکلفان، به عنوان روش تلقی می‌شود. از طرف دیگر شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر عبارت‌اند از هر فعلی که شایستگی مصداق بودن برای امر و نهی یا زمینه‌ساز تحقق آن را داشته باشد.

سابعاً، نکته دیگر آن است که برخی از شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر که مطالعه شده، ممکن است دارای حیث‌های گوناگون باشد؛ یعنی ممکن است یک روش از یک حیث، روش مستقل تربیتی محسوب شود، همان روش از حیث دیگر در مقام عمل، مصداق امر و نهی (به معنای عام) باشد. بنابراین برخی از روش‌ها مانند شیوه‌الگوی، تشویق، تنبیه، اعطای پینش و موعظه از جهتی روش تربیتی هستند و قابلیت دارند که به صورت مستقل بررسی شوند و از جهت دیگر قابلیت دارند که در تحقق امر به معروف و نهی از منکر در خارج مدد رسانند و به عنوان روش اجرایی امر و نهی مطرح شوند.

در نمودار زیر گستره مفهومی و تقسیمات امر و نهی نشان داده شده است. به باور نویسنده اگر این حیطه‌بندی و گستره مقبول واقع شود، در مقام عمل به این دو فریضه اسلامی و تأمین امنیت اجتماعی، اخلاقی و دینی جامعه تأثیر به‌سزایی خواهد داشت و می‌تواند تحول‌شگرفی در سبک‌های امر و نهی ایجاد نماید.



جدول تقسیم‌بندی شیوه‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، ترجمه: کاظم محمدی و محمد دشتی، قم، انتشارات امام علی^(ع)، دوم، ۱۳۶۹.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ریاض، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۱.
۳. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی (مبانی و پیش فرض ها)، قم، موسسه اشراق و عرفان، سوم، ۱۳۹۴.
۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، اول، ۱۳۹۵.
۵. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر، شرح المقاصد، قم، شریف رضی، اول، ۱۴۱۲.
۶. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی اسلام، جزوه درسی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، ۱۳۸۰.
۷. حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم، مؤسسه الإمام الصادق^(ع)، اول، ۱۴۲۰ ق.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار العلم - دمشق، الدار الشامیة، اول، ۱۴۱۲.
۹. رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، سمت، اول، ۱۳۸۱.
۱۰. سیوری حلی، مقداد بن عبد الله (فاضل مقداد)، النافع لیوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، تهران، کتابفروشی علامه، ۱۳۶۸.
۱۱. شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، به نشر، بیست و هشتم، ۱۳۸۶.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه علی اکبر غفاری، قم، مسجد جمکران، هفتم، ۱۳۹۴.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۱۷.
۱۴. فقیهی، علی، حدود اطاعت از امام^(ع) و فقیه با رویکرد به آرای امام خمینی (ره)، ص ۹۴، پژوهش های متین، سال دهم، شماره ۵۴، بهار ۱۳۹۱.

۱۵. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، قم، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی^(ع)، اول، ۱۴۰۶.
۱۶. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های تربیتی در قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، سوم، ۱۳۹۹.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷.
۱۸. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرساله، پنجم، ۱۴۰۵.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الطبع والنشر، اول، ۱۴۱۰.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، قم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سوم، ۱۳۹۴.
۲۱. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید)، الاختصاص، محقق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، اول، ۱۴۱۳.
۲۲. نوری همدانی، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، مترجم: محمد محمدی اشتهااردی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۳۶۷.